جمال شورجه (فیلمساز) | ابوالقاسم طالبی (فیلمساز) | محمد کاسبی (بازیگر) | رسول ملاقلی‌پور (فیلمساز) | شهریار بحرانی (فیلمساز) | پرویز شیخ طادی (فیلمساز) | داود میرباقری (فیلمساز) | مرتضی شعبانی (مستندساز) | پروانه معصومی (بازیگر) | مهدی فقیه (بازیگر) | ابراهیم حاتمی‌کیا (فیلمساز) | فرج‌الله سلحشور (فیلمساز) | هادی محمدیان (پویانما) | مجید مجیدی (فیلمساز) | شهید آوینی (فیلمساز) | نادر طالب‌زاده (کارگردان)

نگاهی به پویانمایی سینمایی «لایت یر»

کودکان، قربانی انیمیشن‌های جدید هالیوودی

فاطمه قاسم‌آبادی

دنیای انیمیشن‌ها، زمانی برای مخاطبین دنیا، با ساخته‌های کمپانی‌های بزرگ انیمیشن سازی مانند والت دیزنی، پیکسار، دریم ورکس، سونی پیکچرز و... معنا پیدا می‌کرد و سیل انیمیشن‌های این کمپانی‌های بزرگ، خاطرات بسیار زیادی را برای کودکان و بزرگسالان قدیم به‌وجود آوردند.

البته بعد از مدتی این کمپانی‌ها، به خاطر موفقیت‌های جهانی در تولید آثار اولیه خود، به سمت ساخت ادامه‌هایی برای این آثار موفق رفتند تا هم موفقیت‌های گذشته شان را تکرار کنند و هم دوباره سودهای کلان به جیب صاحبان‌شان سرازیر کنند.

واقعیت این است که بعد از گذشت دو دهه، این روش هم دیگر جوابگو نبود و نسخه‌های بعدی، اغلب ضعیف‌تر از نسخه‌های قبلی از آب در آمدند و حالا دیگر چند سالی است که مخاطبین وقتی می‌شوند قرار است دیزنی یا پیکسار، دوباره دنباله‌ای برای یک اثر موفق قدیمی‌شان بسازند، بیشتر می‌ترسند که قرار است این‌بار سر خاطرات‌شان چه بلایی بیاید تا اینکه خوشحال شوند!

این مسئله مخصوصا به دلیل اینکه سیاست‌های جدید ضد خانواده‌ای مانند رواج همجنس‌گرایی و... هم وارد دنیای انیمیشن‌های کودکانه شده، بیشتر مخاطبین را روی آثار جدید این کمپانی‌ها حساس کرده است.

«لایت یر» انیمیشنی است به کارگردانی «انگوس مک لین»، محصول مشترک استودیوی «پیکسار» و «والت دیزنی» که در سال ۲۰۲۲ اکران شده است.

داستان فتح کهکشان‌ها

داستان انیمیشن «لایت یر»، در واقع اسپین آف انیمیشن داستان اسباب بازی یک است که از ابتدا مخاطبین می‌فهمند، این انیمیشن در واقع فیلمی است که از روی شخصیت اصلی‌اش یا همان «باز لایت یر» عروسک‌اندی ساخته شده است و این انیمیشن به اصطلاح همان فیلمی است که باعث شده اندی به این شخصیت علاقه‌مند شود و در نهایت از گرفتن عروسکش خوشحال شود.

داستان اصلی انیمیشن «لایت یر»، در آینده‌ای دور اتفاق می‌افتد و زمانی را به تصویر می‌کشد که انسان‌ها در فضاپیماهای بزرگ، به جای کره زمین زندگی می‌کنند و به دنبال نشانه‌های حیات در کهکشان برای زندگی می‌گردند.

در این بین فضانورد جوان، باز لایت‌یر، در یک ماموریت، پس از فرود آمدن در سیاره‌ای عجیب، به همراه فرمانده و خدمهٔ خود، سعی می‌کند راهی برای بازگشت به خانه از طریق فضا و زمان پیدا کند و در عین حال، او با تهدیدی برای امنیت کیهان مواجه می‌شود و تصمیم می‌گیرد که برای نجات کهکشان‌ها اقدام کند....

کلیشه نجات و محافظت از جهان

در انیمیشن لایت‌یر، مخاطبین با داستانی کلیشه‌ای و غیر جذاب روبه‌رو می‌شوند. ماجرای تکراری قهرمان آمریکایی که قرار است کهکشان را نجات بدهد.داستانی که بیشتر به داستان‌های سری‌های دنباله‌دار فضایی شبیه است تا اثری از دنیای انیمیشن داستان اسباب بازی‌ها.

به خاطر همین هم می‌توان گفت انیمیشن لایت‌یر، به هیچ وجه برای کسانی که با تصور داستان اسباب بازی‌ها، به سراغش می‌روند، دلچسب نیست و از همان دقایق اول نا امیدشان می‌کند.

البته شاید یکی از دلایل انتخاب این خط داستانی، تنها مسائل مالی بوده است و سازندگان فکر کرده‌اند بدون تمرکز روی شخصیت‌پردازی‌ها، تنها با یک داستان فضایی، به همراه چاشنی زد و خورد و جنگ‌های فراوان، بتواند مخاطبین را به سمت دیدن این انیمیشن بکشانند و مانند سری‌های گذشته، سودهای کلانی را به جیب‌شان بریزد....

در ابتدای داستان «لایت یر»، به صورت زیرنویس آورده‌اند که اندی، به خاطر دیدن این فیلم، به شخصیت باز، علاقه‌مند شده است ولی هر چه داستان جلو می‌رود، مخاطبین نمی‌فهمند که دقیقا چه چیز در شخصیت باز لایت‌یر، برای یک کودک می‌تواند این‌قدر جذاب باشد که نسخه عروسکی‌اش را هم بخواهد؟

با توجه به روند داستان، اگر یک کودک بر فرض بخواهد جذب یکی از شخصیت‌های این داستان بشود، آن شخصیت گربه باز است که حداقل کمی بامزه است و ممکن است کودکان از آن خوششان بیاید، نه یک فضانورد از خود راضی و عصا قورت داده که هیچ جذابیتی برای کودکان و بزرگسالان ندارد.

خانواده‌ها علیه همجنس‌گرایی

از قبل از اکران انیمیشن لایت یر اعلام کمپانی دیزنی مبنی بر وجود شخصیت‌های همجنس‌گرا در این انیمیشن جنجال‌های بسیاری به پا کرد.

وب سایت «دیلی میل» در گزارشی که قبلا در مورد کمپانی‌های انیمیشن سازی نوشته بود نوشته بود:

«پس از اینکه کارمندان پیکسار، شرکت دیزنی را متهم به حذف شخصیت‌های همجنس‌باز در فیلم‌ها کردند، دیزنی اعلام کرد در انیمیشن لایت یر، شخصیت‌های همجنس‌گرا وجود خواهند داشت.»

پس از این دعواهای زرگری، مدیر محتوای سرگرمی دیزنی، متعهد شد که در آینده، ۵۰ درصد از شخصیت‌های فیلم‌های این کمپانی، شامل شخصیت‌های اقلیت‌های جنسی مانند همجنسگراها و دوجنسیت‌خواهان و... شود!

دقیقا بعد این ماجراها تلاش دیزنی در مقابل قانون‌های منع بحث، درباره همجنسگرایی شروع شد تا اصرار خود را برای نمایش و ترویج این موضوع نشان دهد.

البته درمقابل این هجمه‌ها، فعالیت نهادهای مستقل و کوچکی مانند انجمن «یک میلیون مادر» که به تحریم چنین فیلم‌ها می‌پردازند تا به‌اندازه بضاعت و توانشان، نسبت به چنین محتواهایی واکنش نشان دهند یا برخی نهادهای دینی و مسیحی، چندان فایده‌ای نداشته است و از این به بعد قرار است انواع انحرافات را علاوه‌بر فیلم‌ها و سریال‌ها، در قالب انیمیشن‌ها هم به خورد کودکان بدهند.

واقعیت این‌جاست که هنوز هم با وجود تصویب قوانین مختلف در مورد زیر سؤال بردن جنسیت و هم جنس‌گرایی و... مردم عام حتی در کشوری مانند آمریکا که هرگونه انحرافی در آن مجاز است، نتوانسته‌اند این موضوع را با آغوش باز بپذیرند. مخصوصا انجمن‌های حمایت از خانواده در این کشور، تمام تلاش‌شان را می‌کنند تا آخرین سنگرهای بنیان خانواده را اگر بتوانند، حفظ کنند ولی رسانه‌ها و سیاست‌های‌شان تمام قد علیه این عده، جبهه گرفته‌اند و روز به روز بر فشارهای‌شان می‌افزایند.

مخاطبین شرقی و انیمیشن‌های ایرانی

انیمیشن «لایت یر»، از نظر پیشرفته بودن فنی و جزئیات تصویرسازی‌ها می‌تواند با تعدادی از آثار قابل توجه پیکسار مقایسه شود ولی به خاطر داستان سطحی، شخصیت پردازی‌های نچسب و البته که تحمیل عادی نشان دادن هم‌جنس‌گرایی برای کودکان، از جانب مخاطبین پس خورد و تبدیل به یک شکست مالی انکارناپذیر برای شرکت دیزنی و پیکسار شد.

از این رو انیمیشنی که مثلا اسپین آف یک انیمیشن موفق و خاطره‌انگیز بود، فاقد هرگونه جذابیت داستانی بود و بر عکس نسخه اصلی داستان اسباب بازی‌ها که شخصیت‌هایش برای کودکان و بزرگسالان قابل لمس و شگفت انگیز بودند، لایت یر، یک نسخه دم دستی و بسیار پیش پا افتاده است که دیدنش خاطرات خوش انیمیشن اولیه را هم خراب می‌کند.

با توجه به اثرگذاری انیمیشن‌ها روی مخاطبین و با نظر به اینکه حالا بیشتر از گذشته نمی‌توان به هیچ وجه روی انیمیشن‌های غربی به عنوان یک سرگرمی ساده برای کودکان نگاه کرد، باید سیاست‌های کشوری مانند ایران که توانسته در صنعت انیمیشن، گام‌های قدرتمندی را بردارد، تغییر کند و حمایت از ساخته‌های داخلی، بسیار بیشتر از گذشته باشد، مخصوصا که ما دیدیم انیمیشن‌های ایرانی تا چه حد می‌توانند در گیشه کشورهای دیگر موفق باشند و نمونه‌اش هم انیمیشن «پسر دلفینی» بود که در کشور روسیه در ۲۷۰۰ سینما اکران شد و توانست به فروش بیش از یک میلیون و هفتصد هزار دلاری برسد.

شاید این مبلغ نسبت به فروش‌های انیمیشن‌های آمریکایی، به نظر مبلغ کمی برسد ولی با توجه به امکانات ما و ورود تازمان به این راه، شروع بسیار موفقی است و نشان می‌دهد حداقل در کشورهای شرقی که ارزش‌های خانوادگی هنوز پا برجاست، ایران می‌تواند با محصولات خودش، کم کم جای انیمیشن‌های غربی را که قرار است از این به بعد بیشتر از گذشته به سمت بی‌اخلاقی و نابودی ارزش‌های خانوادگی برود، را بگیرد.

دانشجویان سینما و متون پرحفره و تحریف!

سعید رضایی

فرا رسیدن روز دانشجو، بهانه‌ای است برای پرداختن به جریان‌های دانشجویی و همچنین آسیب شناسی تدریس در رشته‌ها و دانشگاه‌ها و دانشکده‌ها. یکی از دغدغه‌های اصلی دانشجویان در رشته‌های هنری و دراماتیک، بی‌ارتباطی متون آموزشی و محتویات آنها با خیلی از نیازها و ملزومات فرهنگی کشورمان است. البته این مسئله این مسائل بر همه عرصه‌های آموزشی کشور ما سایه افکنده، اما در حوزه تدریس هنر و به خصوص آموزش سینما، وضعیتی نزدیک به فاجعه را شاهد هستیم.

بی‌تردید ریشه بسیاری از مشکلات موجود در سینما را باید در همین هنرستان‌ها و دانشگاه‌ها و دانشکده‌ها جست‌وجو کرد. جدای از کیفیت نازل و گاه ده‌ها سال عقب‌تر از زمانه تدریس هنر هفتم در مراکز آموزشی کشور، اکثر کتاب‌ها و جزوه‌هایی هم که در اختیار هنرجویان و هنرآموزان قرار می‌گیرد نیز دچار مصائب و لغزش‌های محتوایی فراوانی هستند. گویا هیچ گونه نظارتی بر مطالب و اشارات این کتاب‌ها نیست. آنچه در بسیاری از مکتوبات آموزشی سینما گنجانده شده، گواه نوعی غفلت و سهل‌انگاری از سوی مسئولان مربوطه است که چنانچه ترمیم و جبران نشود، مشکلات سینمای ما همچنان ادامه پیدا خواهد کرد.

چندی پیش به طور اتفاقی جزوه سینمایی یکی از مراکز آموزشی را ورق می زدم. جزوه ای که به همت مدرس محترم همان درس تدوین و نگارش یافته بود. در این جزوه، توضیحات و تفاسیر مفصل و بلندبالا و گاه اغراق شده ای درباره اتفاقاتی که قبل از انقلاب در سینما رخ داده بود نوشته شده است. به سینمای پس از انقلاب که رسیدم، خنده‌ای تلخ و غمبار بر چهره‌ام نشست. نویسنده جزوه، وقایع ۳۰ساله سینمای پس از انقلاب را در یک بند بسیار مختصر این گونه توضیح داده بود که در این دوره بسیاری از سینماگران برجسته ایران مجبور به ترک وطن یا دست کشیدن از فعالیت شدند و برخی دیگر با محدودیت‌های فراوانی به کار خود ادامه دادند و البته ژانر جنگی هم به وجود آمد! (نقل به مضمون) این مطلب درباره وضعیت سینمای پس از انقلاب، مربوط به یک شبکه ماهواره ای یا سایت اینترنتی معاند با نظام جمهوری اسلامی نیست، بلکه جزوه رسمی آموزش سینما در یکی از دانشکده‌های هنری بود! جزوه ای که قرار است هنرمند انقلابی و متعهد و مسلمانی تربیت کند و هنر هفتم را در این کشور اعتلا ببخشد! این تنها یک نمونه است و با مرور سایر منابع تحصیل سینما در نظام آموزشی ایران، همین وضعیت قابل مشاهده است. این جمله عینا از روی یکی از منابع کنکور کارشناسی ارشد رشته هنر که هم اکنون در دست داوطلبان این رشته است نقل می شود: «میرزا ابراهیم صحاف باشی مردی متجدد و مبتکر و آزادی خواه و نخستین بهره‌بردار سینما در ایران بود.» حال آنکه صحاف باشی یکی از دست‌اندرکاران سلطنت قاجار و یک فراماسونر شاخص و برجسته بود. به طوری که به نوشته کتاب «تاریخ بیداری ایرانیان» اثر ناظم‌الاسلام کرمانی، میزا ابراهیم خان صحاف‌باشی از اعضای انجمن مخفی دوم در عصر مشروطه بود. انجمنی که اهداف فراماسونری را برای اسلام زدایی در ایران دنبال می کرد.

جالب این است که در یکی دیگر از منابع کنکور کارشناسی ارشد رشته هنر، اسامی فیلمسازان نسل انقلاب حذف شده و از میان آنها تنها از «محسن مخملباف» به عنوان چهره‌ای مهم و با فیلم‌هایی تأثیرگذار یاد شده بود! این گونه کتاب‌ها حتی برای تحریف واقعیات مقدسات جعلی خودشان را نیز زیر پا گذاشته‌اند. مثلا در آنها از اسکار به عنوان یک مراسم و جایزه بزرگ نام برده شده، اما هیچ اشاره ای به ورود فیلم «بچه‌های آسمان» به این رقابت نشده است. احتمالا دلیل این نادیده انگاری انتساب سازنده این فیلم به انقلاب اسلامی است.

کسانی که از واقعیت‌ها آگاه هستند با خواندن و مشاهده این مطالب در کتاب‌ها و جزوه‌های آموزشی سینما یکه می خورند و دچار شگفتی می‌شوند. اما بسیاری از نوجوانان و جوانان که نسبت به واقعیات آشنایی ندارند، نوشته‌های این کتاب‌ها حقیقت مسلم فرض می شود. با این اوصاف، فرایند پرورش فیلمساز برخوردار از تعهد و تخصص توأم به دشواری صورت می گیرد و انفصال هنر هفتم با مردم و فرهنگ بومی و انقلاب اسلامی کشورمان یک اتفاق طبیعی محسوب می شود.

ایجاد تحول در آموزش سینما، توقعی آرمانی و بلندمدت است. اما ای کاش مسئولان آموزشی و دانشگاهی کشورمان، حداقل فکری به حال این کتاب‌ها و جزوه‌ها و منابع می کردند. قطعا یکی از ابتدایی و بدیهی و ضروری‌ترین موضوع‌هایی که باید در برنامه بومی سازی علوم انسانی در نظر گرفته شود، تجدیدنظر و بازآفرینی این گونه آثار است.

رسانه‌هایی که بازندگان اصلی جام جهانی شدند

شبکه‌های معاند و ضدانقلاب فارسی زبان که به استکبار جهانی، رژیم صهیونیستی، دربار آل‌سعود و پس مانده‌های فراری رژیم منحوس پهلوی وابسته‌اند از مدت‌ها پیش برای ایجاد فتنه جدید و اغتشاش در کشور برنامه‌ریزی کرده بودند و با همراهی برخی از سلبریتی‌ها و عناصر مزدورشان در داخل کشور، دعوت به آشوب‌های خیابانی را در دستور کار خود قرار دادند. آنها ابتدا موضوع حجاب زنان و دختران را بهانه‌ای برای این کارسازی کردند که قصدشان در ابتدای این اغتشاشات، کشته سازی و ناامن کردن فضای کشور بود که با حماسه آفرینی عظیم مردم انقلابی ما این توطئه آنها با حماسه ۱۳ آبان شکست خورد. وقتی با تودهنی بزرگ ملت قهرمان ایران اسلامی روبه‌رو شدند فتنه دیگری را برای ایجاد یک فضای تبلیغاتی علیه جمهوری اسلامی ایران آغاز کردند؛ در همین رابطه و در آستانه رقابت‌های فوتبال جام جهانی در قطر، کشور قطر میزبان و برگزارکننده مسابقات جام جهانی فوتبال به خبرنگاران و گزارشگران شبکه مزدور و تروریست سعودی اینترنشنال مجوز ورود نداد و همین امر باعث عصبانیت این شبکه ضدانقلاب و مزدور آل‌سعود و دیگر شبکه‌های فارسی زبان ضدانقلاب شد. لذا آنها همه حمله تبلیغاتی خود را متوجه تیم ملی فوتبال ایران کردند که در جام جهانی قطر حضور داشت!

رسانه‌های مزدور از چند روز مانده به جام جهانی ۲۰۲۲ قطر با فضاسازی‌های مختلف و ارتباط با عوامل ضدانقلاب در داخل ایران و برخی از سلبریتی‌ها، همه توان خود را صرف حذف حضور تیم ملی فوتبال ایران از جام جهانی قطر کرده و در همین رابطه با برخی از نهادها و سازمان‌های بین‌المللی هم رایزنی کردند و در برخی از کشورهای اروپایی و آمریکا با برپایی بزم و جشن با عناصر تروریست و افراد خودفروخته به دستگاه‌های جاسوسی غرب در صدد متقاعد کردن نهادهای بین‌المللی فوتبال برای کنار گذاشتن تیم ملی فوتبال ایران از جام جهانی شدند؛ اما نه تنها مجامع بین‌المللی به این اراجیف و گزافه گویی این شبکه‌های معاند توجهی نکردند بلکه از حضور تیم ملی فوتبال ایران در آوردگاه جام جهانی در قطر بسیار خرسند شدند و ابراز افتخار کردند. همین امر موجب عصبانیت شبکه‌های ضدانقلاب فارسی زبان شد و وقتی دیدند که در این موضوع هم با شکست مفتضحانه‌ای روبه‌رو شدند دست به تخریب از نوع دیگری زدند و با فضاسازی در برنامه‌های خود و با بهره‌گیری از عناصر ضدانقلاب و مزدبگیر خود که در بازی‌های تیم ملی فوتبال ایران خود را به محل برگزاری مسابقه‌ها رسانده بودند قصد کردند که با شعارهای ضدانقلابی، بازیکنان تیم ملی ایران را ناراحت کرده تا بازیکنان تیم ایران از خواندن سرود کشورمان خودداری کنند. این امر هم محقق نشد و دلاورمردان تیم ملی فوتبال ایران سرود جمهوری اسلامی ایران را با صدای بلند و با صلابت در ورزشگاه‌های قطر خواندند و بار دیگر دشمنان انقلاب اسلامی را که این بار با همه توان خود وارد میدان شده بودند را ناکام گذاشتند و چنان سیلی محکمی از ملی‌پوشان تیم ملی فوتبال ایران خوردند که هنوز از این حرکت بازیکنان فوتبال ایران گیج و مات مانده‌اند و به‌قدری از حضور پرافتخار ملی‌پوشان فوتبال کشورمان در جام جهانی قطر که حفظ ارزش‌های دینی و آرمان‌های انقلاب اسلامی برای آنها به مثابه پیروزی و سربلندی ایران اسلامی است عصبانی و ناراحتند که نتوانستند عصبانیت و ناامیدی خودرا از حضور پرتلاش و افتخارآمیز تیم ملی فوتبال ایران در جام جهانی کتمان کنند. اگرچه در برنامه‌های خود تلاش کردند که خیمه شب بازی راه‌انداخته و نمایش مضحکانه‌ای در فضای مجازی و ارتباط با عوامل وابسته به استکبار و عناصر ضدانقلاب داخلی، موفقیت تیم ملی فوتبال ایران را کم رنگ کنند. اما در این موضوع هم سخت شکست خوردند و حضور تماشاگران و قشرهای مختلف مردم ایران اسلامی در ورزشگاه‌های قطر و در کنار ملی‌پوشان و تشویق و حمایت آنها باعث شد که شبکه‌های فارسی زبان ضدانقلاب، سعودی اینترنشنال، بی‌بی سی، صدای آمریکا، من و تو و... درمانده‌تر از همیشه، از این انسجام و وحدت ملت انقلابی ما نگران و عصبانی شوند. آفرین به ملی‌پوشان فوتبال ایران که با صلابت و بصیرت انقلابی خود در برابر همه هجمه‌های دشمنان انقلاب اسلامی که این بار توسط شبکه‌های ضدانقلاب فارسی زبان، این داعشی‌های رسانه‌ای که به دستور اربابان‌شان طراحی و برنامه‌ریزی شده بود، ایستادند و چنان درسی به آنها دادند که در تاریخ ورزش کشورمان ثبت شده است!

به هرحال شبکه‌های مزدور و دست‌پرورده آل‌سعود، رژیم صهیونیستی و آمریکا باید بدانند که در بین اقشار مختلف مردم ایران به هیچ وجه جایگاهی ندارند و منفور هستند و این آوردگاه بزرگ جهان فوتبال هم آنها را به زباله‌دان پرتاب کرد.

رسول شمالی ورزنده

در یک میزگرد رادیویی بررسی شد

سیاسی‌بازی رویدادهای ورزشی در رسانه‌های معاند

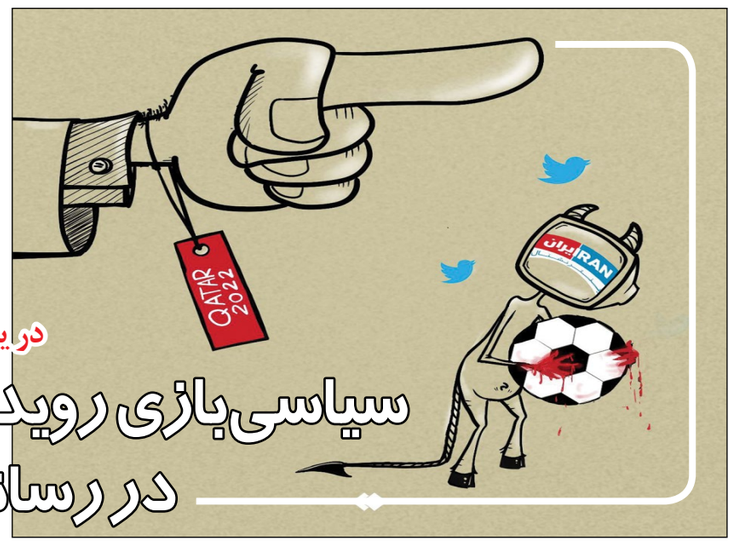

صد و چهل و دومین برنامه زنده «امواج شبهه» شبکه رادیویی گفت‌وگو با عنوان «بررسی مدل رسانه‌های بیگانه، در بهره‌گیری از تبلیغات ایستگاهی با تأکید بر زمین ورزش در جام جهانی» با حضور کارشناسان، محمدابراهیم بهرامی (کارشناس ارشد ارتباطات و رسانه)، محمدکاظم انبارلویی (کارشناس و تحلیل‌گر رسانه)، دکتر علیرضا داودی (کارشناس ارشد رسانه و علوم‌شناختی) و محسن اثیمی (مدیرکل ورزش خبرگزاری تسنیم مستقر در دوحه) به ساخت آشوب‌های فرآیندی در ایران، پشت پرده عملکرد رسانه‌های بیگانه و شگردها و تکنیک‌ها رسانه‌ای می‌پردازد.

شکست انگلیسی‌ها
در جنگ روانی علیه فوتبال ایران

محمدکاظم انبارلویی، کارشناس و تحلیل‌گر رسانه با تأکید بر این که حوزه سیاست، حوزه تولید قدرت است، خاطرنشان کرد: در تولید قدرت همهٔ اهرم‌ها و مؤلفه‌ها من‌جمله ورزش، مورداستفاده، بازبینی و بازتولید قرار می‌گیرد. در آستانه بازی‌های جام جهانی فوتبال، از آقای کی‌روش می‌پرسد، سرمربی تیم کشوری بودن که حقوق زنان در آن رعایت نمی‌شود، چه منفعتی برای شما دارد، این سؤال به‌هیچ‌عنوان سؤالی ورزشی نیست؛ بلکه سؤالی سیاسی است بالاخص که تیم رقیب ما در اولین بازی نیز انگلیس بود، هوشمندی آقای کی‌روش در پاسخ به سؤال این خبرنگار که گفت شما برای این سؤال چه‌قدر پول گرفته‌اید، موجب روشنگری چند موضوع شد، یکی این که به‌عنوان خبرنگار این جا حضور نداری؛ بلکه سرباز جنگ نرم هستی، مورد دوم این که سؤال مطرح شده جنبه ورزشی ندارد و مورد سوم این که سؤال از جانب اتاق جنگ نرم علیه ملت ایران مطرح شد و در نهایت این موضوع مشخص می‌شود که دولت انگلیس به دنبال آن است که از فرصت بازی‌های جام جهانی فوتبال در جهت پیش‌برد جنگ نرم استفاده کند.

وی در ادامه تصریح کرد: ما ۴۰ سال است که دو، سه جنگ سخت و چهار جنگ نرم را تجربه کردیم، غرب دست از سر ما بر نمی‌دارد، دوباره بساط غارتگری خود را می‌خواهد در کشور ما پهن کند. ما در حقیقت در وسط معرکه سیاسی و تروریستی قرار داریم و باید مربیان و بازیکنان خود را بشناسیم و با تکنیک‌ها و تاکتیک‌هایی که بازیکنان در زمین مجازی به کار می‌برند آشنا باشیم، همین مسئله در حوزه ورزش نیز برپا است، انگلیسی‌ها برد دیروز خود را مدیون مهارت و تکنیک‌های خود نمی‌دانند؛ بلکه مدیون جنگ روانی پیش‌آمده در ایران می‌دانند و همه از بازیکنان گرفته تا تماشاگران تحت‌تأثیر رسانه‌ای بودند، و دو گل زده شده توسط مهدی طارمی، پیروزی فهم ما از این نبرد را نشان داد.

سیاسی‌ترین جام جهانی تاریخ در قطر

بهرامی نیز گفت: ما از سال ۱۹۱۶، شاهد این هستیم که در المپیک وقایع سیاسی در حال رخ‌دادن است، در سال ۱۹۲۰، پایان جنگ جهانی اول باز هم شاهد دخالت سیاستمدارها در ورزش بودیم، هیتلر در ۱۹۳۶، در جام جهانی با تبریک گفتن به یک برنده سیاه‌پوست توجه نکرد از این موارد مانند برتری نژادی و دخالت سیاست را بسیار در این سال‌ها دیدیم و می‌توان گفت المپیک، جام جهانی و رویدادهای ورزشی پیوسته سیاسی بوده‌اند.

این کارشناس ارشد ارتباطات و رسانه با عنوان این که ما دو مرکز رسانه در غرب داریم که یکی با محوریت واشنگتن و آمریکا و دیگری با محوریت لندن است، گفت: تا به امروز قدرت رسانه‌ای دنیا بیشتر متمایل به این دو قدرت بوده است؛ اما با اتفاقاتی که در قطر شاهد آن هستیم؛ مانند جلوگیری از حضور رسانه‌های تروریستی نظیر رسانه‌ای که اغتشاشات ایران را رقم زد و یا از حضور بی‌بی‌سی فارسی جلوگیری می‌شود، ما شاهد انتقال قدرت از غرب به شرق هستیم. تحریم روسیه، لهستان و سوئد در بازی‌های مقدماتی حاضر به بازی با روسیه نشدند، این‌ها رفتارهایی سیاسی است، بنابراین سیاست با ورزش درهم‌تنیده است و نمی‌توان این رابطه را انکار کرد.

تأثیر همگرایی رسانه‌ای بر سیاست‌گذاری‌ها

علیرضا داودی، کارشناس ارشد رسانه و علوم‌شناختی گفت: اساساً راجع به ورزش و سیاست یک عبارت داریم که می‌گوید ورزش بدون سیاست معنایی ندارد و سیاست نیز هر زمان که بخواهد خودش را تقویت کند بر بستر ورزش موج‌سواری می‌کند، بنابراین در دنیای امروز صحبت‌کردن از ورزش بدون سیاست همان‌اندازه بی‌معنا است که از هوای بدون اکسیژن صحبت شود. سیاسی‌ترین پارادایمی که در دنیای امروز وجود دارد و مطالبه بین قدرت‌ها و ملت‌ها، حوزه ورزش است.

وی در ادامه افزود: زمانی که صحبت از غرب می‌شود، نگاهشان به ورزش همانند نگاهشان به شترمرغ است که می‌خواهند از همه امکانات فراهم شده نهایت استفاده را ببرند تا ارزش و افزوده و سود را داشته باشند. اگر ما و رژیم صهیونیست در یک رقابت قرار بگیریم تعریف ما از سیاست بسیار متفاوت‌تر از آنها است چرا که دین ما از سیاست جدا نیست. این که سیاسی بازی کنیم با این که سیاست داشته باشیم دو موضوع متفاوت است، بنابراین نگاه ما به ورزش با یک تغییر تعریف و توصیفات که نسبت به دنیا داریم، نگاهی مشخص و واضح است؛ اما نگاه دنیا این است که ورزش ابزاری است در خدمت سیاست‌مداران جهت افزایش سلطه هنگام و بی‌هنگام بر کشورهایی که در حوزه و محور متخاصم تعریف می‌کنند، است.

داودی با بیان این که یکی از پربحث‌ترین بخش‌های ورزشی در حوزه سیاست، از نوع آمریکایی و اروپایی، کشتی و فوتبال است که بیشترین نگاه سیاسی به آنها معطوف است، ادامه داد: در وقایع اخیر مسئله این است که ورزش هر جا به لبه سیاست متصل می‌شود برای فشار واردکردن بر مقصدی که مد نظرشان است، باید به قبل از موضوعات، حین موضوعات و بعد از موضوعات توجه داشت. در این سه مرحله حتماً می‌بایست دقت داشت که باتوجه‌به اتفاقاتی که در دو جام بعدی بعد از موضوعات در حال رخ‌دادن است، سه‌گام بسیار جدی را برداشته‌اند.

این کارشناس ارشد رسانه و علوم‌شناختی افزود: نکته اول این است که ورزش در قدرت‌نمایی بین رسانه‌ای است که میدان را در مقصد با افکار عمومی که نسبت به آن اهداف ریزش پیدا کرده است را ازدست‌داده است. بی‌بی‌سی فارسی امروزه در میدان قدرت سامان‌دهی و جمع‌آوری را همانند دو ماه گذشته ندارد؛ بنابراین اولین کاری که می‌کند این است که عرصه جدید را به مقطعی برای هم آوردی تبدیل می‌کند تا مخاطب ریزش پیدا نکند.

نکته دوم در ارتباط با موضوع همگرا کردن رسانه‌های بیگانه است، آخرین موضوع که مطرح شد در ارتباط با ماجرای آن کودک بود و پس از آن باید به دنبال سوژه‌ای دیگر باشند؛ بنابراین به سراغ ورزش و جام جهانی فوتبال می‌روند به همین دلیل است که می‌بینیم من و تو و اینترنشنال حوزه برون‌مرزی را برعهده می‌گیرند و گردش شهروند خبرنگار را وارد ماجرا می‌کنند و در انتها مرحله سوم که مرحله بسیار حیاتی این است که نگذارند در ذهن مردم گزاره اولیه‌ای که روی آن مانور می‌دادند از بین برود، با صفت‌های چهارمی که به شعار زن، زندگی و آزادی می‌افزایند می‌خواهند تا به این وسیله آن را زنده نگه دارند.

بهرامی در ادامه افزود: هراندازه جلوتر می‌رویم از التهابات و هیجانات ناشی از اتفاقات کاسته می‌شود، اوج هیجانات در ایران هیجانات برخاسته از وقایع ملی بود مانند برد ایران از بحرین که مردم در خیابان‌ها حضور پیدا کردند. از ابتدای انقلاب تا به امروز بحث غرور ملی، نقطه اوج هیجانات ملی بوده است. با اتفاقاتی که در بازی ایران و انگلیس افتاد این مسئله آسیب می‌بیند و جو عمومی جامعه این جا بود که خود را نشان داد. این شکست یک سرخوردگی برای همه ایجاد کرد، افرادی که از باخت تیم ملی خوشحالی می‌کنند در کف خیابان‌ها نبودند، مردم ایران مردمی هستند که غرور ملی دارند و کشورشان را دوست دارند در این اتفاق خود را نشان داد و امیدواریم که از این به بعد نیز از هیجانات کاسته شود و به عقلانیت آن اضافه شود.

القای ناامیدی، هدف رسانه‌های بیگانه است

داودی با اشاره به این که رسانه‌های بیگانه در دو دهه گذشته بسیار تلاش کردند تا فوتبال را به گزاره‌ای برای افزایش اغتشاشات ذهنی تبدیل کنند، گفت: در رأس همه این رسانه‌ها وی او ای بیشترین فعالیت را داشت که در مدت چهار سال اخیر به علت ازدست‌دادن این قابلیت، مسئولیت را به بی‌بی‌سی فارسی دادند، به همین دلیل میدان‌دار تبدیل ورزش به اغتشاش ذهنی برعهده بی‌بی‌سی است. این‌ها سه کار را انجام می‌دهند تا بتوانند فضا را زنده نگه دارند، یک، ورزش را عرصه تقابل دیدگاه داخلی با وقایع خارجی می‌کنند، دو، انتظارات و سقف انتظارات مردم در ایران را به سمت اعوجاج سوق می‌دهند تا حس فلاکت و ناامیدی در حوزه‌های مختلف را افزایش دهند.

وی در ادامه افزود: نکته سوم این است که موضوع ورزشی را گرو برای موضوعات آینده می‌گیرند تا از آنها به‌عنوان سکو استفاده کنند و در مجموع به یک نقطه‌ای شرایط را می‌رسانند به اسم سلب اراده پیش‌بینی‌شده و تحمیل اراده پیش‌بینی‌نشده، با کنار هم قرار دادن این دو مورد در کنار یکدیگر مخاطب را به نقطه بی‌تصمیمی یا بد تصمیم گرفتن می‌رسانند، از این مرحله به بعد رسانه‌های بیگانه به دنبال ایجاد شرایط تعاملی است تا به آن نقطه‌ای برسد که مخاطب به فراتر از انتقاد یعنی ناامیدی برساند. اساساً ورزش جایی برای تصمیم گرفتن نسبت به امیدواری یا ناامیدی نیست و معیار و سنجش مناسبی نیز نمی‌تواند باشد به همین دلیل رسانه‌های بیگانه به دنبال این هستند تا ورزش را سیاسی کنند تا امید را از این طریق از مردم بتوانند بگیرند.